مجله اقتصادی
شماره‌های ۳ و ٤، خرداد و تیر ۱۳۹۹، صفحات ۱۳۵-۱۱۱

طراحی الگو یکپارچه‌سازی مالیات‌های اسلامی و متعارف

مجید شجاعی
دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر
majid063@yahoo.com

در زمان حاضر لزوم پرداخت انواع مالیات‌ها به همراه وجوه پرداخت حقوق مالی- دینی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر از مسائلی است که نظام‌های مالیاتی و نهادهای دینی و همچنین مردم با آن مواجه هستند و جستجوی یک الگوی مناسب جهت ساماندهی این ارتباط موجب افزایش کارایی پرداخت‌های مالی مردم می‌شود. امروزه دغدغه بسیاری از مؤدیان و افراد متدین در کشور پرداخت مضاعف مالیات (متعارف و وجوه خمس و زکات) است؛ به طوری که آن‌ها را با چالش‌های جدی از جمله اعتقاد به وجود بی‌عدالتی در سیستم مالیاتی روبه‌رو کرده است. در این مقاله پس از بررسی ملاحظات پیاده‌سازی مالیات اسلامی و بیان اصول و شاخص‌های نظام مالیات اسلامی به ارائه یک الگوی مالیاتی و نحوه اجرای آن پرداخته شده است. تجربه تعدادی از کشورهای اسلامی نظیر پاکستان، اردن، بنگلادش و مصر نیز حاکی از آن است که پرداخت‌های داوطلبانه مردم، مثل زکات، از درآمد مشمول مالیات آن‌ها کسر می‌شود. به همین منظور در این مقاله تلاش می‌شود الگویی برای پذیرش خمس و زکات به عنوان مالیات ارائه شود

واژگان کلیدی: مالیات متعارف، مالیات اسلامی، خمس، زکات

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

۱. مقدمه

امروزه در فضای بین‌المللی مباحث مربوط به تأمین مالی اسلامی اهمیت بسیار بالایی یافته است. نیازهای فراوان مالی پروژه‌های عمرانی و صنعتی کشور و لزوم تأمین مالی این طرح‌ها از منابع داخلی و خارجی مطابق با موازین شرع، ضرورت پرداختن به این مباحث را دوچندان می‌کند. مروری بر آیات و روایات وارده در حوزه اقتصاد نشان می‌دهد که در اسلام، فقر و بی‌عدالتی‌های اجتماعی پدیده‌ای مذموم شناخته شده و یکی از اهداف مهم نظام اسلامی و به تبع آن اقتصاد اسلامی از بین بردن این موارد است. از این رو، در جامعه اسلامی لازم است تمام روابط اقتصادی و مالی به نحوی تنظیم شود که نظام اقتصادی بتواند در راستای تأمین اهداف مورد نظر اسلام حرکت کند (خزائی و یزدان‌پور، ۱۳۹۴). رهنمودهای الهی و قوانین اسلامی لزوم توجه به این قوانین را در تمامی عرصه اجتماعی و اقتصادی جامعه امروز نمایان می‌سازد. وابستگی بیش از حد اقتصاد ایران به دولت و وابستگی دولت به درآمدهای نفتی، اهمیت ویژه‌ای را به مسئله مخارج و درآمدهای دولت داده است. اقتصاد در جوامع غربی و کشورهای توسعه‌یافته وابسته به بخش خصوصی و درآمدهای دولت وابسته به مالیات‌های پرداختی توسط شهروندان آن کشورها است (Leonid, 2001). در صدر اسلام بقا و استمرار حکومت اسلامی نیز وابسته به درآمدهایی بوده است که با نرخی معین از درآمدها و اموال اضافی مردم کسب می‌شد. امروزه قوانین کسب این درآمدها را با نام قوانین مالیاتی اسلام می‌شناسند. این قوانین مالیات‌ها را در اسلام به دو دسته مالیات‌های ثابت (خمس، زکات، خراج و جزیه) و مالیات‌های متغیر (مالیات‌های حکومتی) تقسیم می‌کند (امینی، ۱۳۸۴).

تنها نکته‌ای که باید در نظر گرفت این است که بی‌تردید مالیات‌های اسلامی به عنوان عملی مقدس و تطهیرکننده اموال و روح انسان، رونق اقتصادی جامعه را نیز در پی دارد و مالیات هرگز نمی‌تواند جایگزین آن شود. از سویی حکومت اسلامی نیز همچون سایر حکومت‌ها جهت تأمین منابع مالی خود به منظور انجام وظایف محوله، مانند تأمین بهداشت و امنیت عمومی، نیاز به کسب درآمد دارد و در زیرساخت‌های عمرانی کشور از مالیات‌های اسلامی نمی‌توان استفاده کرد. در واقع باید گفت مالیات‌های اسلامی را خداوند متعال به منظور زدودن فقر از جامعه و برقراری عدالت اجتماعی وضع کرده است. به‌گونه‌ای که در روایات وارد شده است اگر همه مردم خمس و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

زکات خویش را پرداخت کنند دیگر هیچ فقیری نخواهد ماند؛ بنابراین بین مالیات‌های اسلامی، که رأس همه آن‌ها خمس و زکات است، با مالیات‌های متغیری که توسط حکومت اخذ می‌شود چند تفاوت اساسی وجود دارد. نخست اینکه، مالیات‌های اسلامی توسط مراجع معظم تقلید به مصرف می‌رسد و دست دولت نیست تا دولت از حاصل آن‌ها به اداره جامعه بپردازد. دوم؛ مالیات‌های اسلامی مصارف خاصی دارند که عمده آن‌ها رسیدگی به فقرا و محرومین جامعه است؛ در حالی که در جامعه اسلامی و هر جامعه‌ای علاوه بر رسیدگی به فقرا و محرومین هزینه‌های فراوان دیگری نیز وجود دارد که برای آن‌ها از خمس و زکات نمی‌توان استفاده کرد. و خمس و زکات موضوعاتی شرعی هستند که بنا بر دیدگاه شرع واجب شده و درنتیجه خود شرع هم محل مصرف آن را معین می‌کند؛ بنابراین چون بدون لحاظ شرع خمس و زکاتی وجود نخواهد داشت، بدون در نظر گرفتن نظر شرع در مورد محل مصرف آن هم تکلیف خمس از گردن مکلفین برداشته نخواهد شد. خمس و زکات را می‌توان فقط در راهی که شرع معین کرده مصرف کرد که بسیاری از هزینه‌هایی که برای دولت به وجود می‌آید خارج از این موارد است. سومین تفاوت این است که حتی اگر امکان خرج کردن خمس و زکات در اداره جامعه وجود داشت، مقدار آن با توجه به هزینه‌های فراوان اداره جامعه که در حال حاضر به رقم چند میلیارد دلار بالغ می‌شود کفایت نمی‌کرد و درنتیجه باز هم نیاز به راهی جدید برای اداره جامعه بود که یکی از راه‌های آن وضع مالیات است. چهارم اینکه، پرداخت خمس و زکات جزء تکالیف شرعی است و باید با رضایت خاطر همراه باشد (میزان‌الحکمه حدیث، ۷۷۸۷)، به این دلیل نمی‌توان فردی را به خاطر عدم پرداخت خمس و زکات مورد مؤاخذه قرار داد؛ در حالی که برای تأمین مالی هزینه‌ای دولت، مالیات به صورت اجباری بر فرد تحمیل می‌شود و در صورت فرار مالیاتی فرد مورد مواخذه قرار می‌گیرد. البته در صورت فراگیر شدن فرهنگ پرداخت مالیاتی این مسئله نیز همچون خمس و زکات با طیب خاطر پرداخت‌کنندگان انجام می‌شود اما در حال حاضر با توجه به عدم امکان اجبار پرداخت‌کنندگان خمس و زکات و درنتیجه عدم وصول بسیاری از بدهکاری‌های خمس و زکات مردم حتی اگر اجازه اداره جامعه با این خمس و زکات بود، باز هم با توجه به هزینه‌های فراوان اداره جامعه و لزوم مشخص بودن بودجه دولت برای برنامه‌ریزی سالانه خود امکان هرگونه برنامه‌ریزی و پیش‌بینی درآمد و هزینه منتفی می‌شد. با توجه به محدودیت‌هایی که درباره مالیات

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

اسلامی به‌ویژه خمس و زکات وجود دارد، دولت نمی‌تواند برای اداره جامعه به آن متکی باشد و نیازمند منابع مالی جداگانه‌ای غیر از این منابع است که به نام منابع متغیر از آن‌ها یاد می‌شود و همان‌گونه که در بالا گفته شد توسط شارع مقدس مورد پیش‌بینی قرار گرفته و فقها نیز اصل این مسئله را قبول داشته و فقط درباره برخی جزئیات آن یا مواردی که با نظر شرع مغایرت‌هایی وجود داشته باشد بحث می‌شود (خزائی و یزدان‌پور، ۱۳۹۴).

طراحی نظام مالیاتی برای یک جامعه اسلامی باید بر اساس اسلوبی اسلامی باشد تا به واسطه آن از زیاده پرداختی‌ها و پرداخت‌های موازی و وارد آوردن فشار بیش ازحد بر خانواده‌ها جلوگیری به عمل آید، از ظرفیت‌های فرهنگی جامعه نیز استفاده شود و مهم‌تر از همه اینکه به تکلیف الهی خود عمل کنیم. قابلیت درآمدهای اسلامی مانند خمس و زکات بسیار زیاد است که چشم‌پوشی از آن‌ها به طور جدی جای سؤال دارد. از طرفی زکات و خمس برای رفع فقر در جامعه کفایت می‌کند و بازتوزیع آن تا یک دهم می‌تواند ضریب جینی را کاهش دهد. لذا با توجه به پتانسیل فرهنگی و سرمایه اجتماعی بالایی که در جامعه مسلمانان نسبت به پرداخت خمس و زکات وجود دارد، باید توجه زیادی به درآمدهای حاصل از خمس و زکات به عنوان دو ابزار مهم درآمدی دولت داشته باشیم.

بنابراین با توجه به اینکه توجه به قوانین اسلامی و همگام کردن این قوانین با روابط حاکم بر جامعه اسلامی از جایگاه خاصی برخوردار است، این مقاله سعی بر این دارد تا با استفاده از قوانین اقتصادی اسلام، یک الگوی مالیات اسلامی برای تأمین منابع مالی ارائه شود.

۲. ملاحظات پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی

مروری بر تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد مردم حقوق مالی مختلفی را پرداخت می‌کردند که به حسب نقش دولت یا مردم در جمع‌آوری و توزیع متفاوت بود. حقوقی که مردم در آن نقش بیشتری داشتند (مثل زکات و خمس) که در هر شرایطی بر مردم واجب بود و امروزه نیز بر آن‌ها واجب است ولی بعضی از حقوق مالی که دولت آن زمان متکفل آن بود (مثل خراج و جزیه) در زمان حاضر کاربردی ندارد. از طرف دیگر، مسلمانان در زمان حاضر ملزم به پرداخت دو نوع حقوق مالی هستند؛ هم حقوقی که از جانب دین بر آن‌ها واجب شده و هم حقوقی که به عنوان شهروند به صورت مالیات و عوارض پرداخت می‌کنند. از آنجایی که در صدر اسلام هم مالیات

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

منصوص (خمس و زکات) و هم مالیات‌های غیرمنصوص- که خراج یکی از آن‌ها است- اخذ می‌شد، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که رابطه این دو نوع مالیات با همدیگر رابطه جانشینی نبوده بلکه ارتباط آن‌ها مکملی است و هرکدام از آن‌ها بر حسب اهداف و شرایط، اخذ و مصرف می‌شدند. بنابراین رابطه این دو مالیات از نظر اجرایی در هر زمان به نوعی مدیریت شود که نتیجه مطلوب از فرایند مالیات‌ستانی حاصل شود .گذشت زمان و تغییر ماهیت و کم‌رنگ شدن مشروعیت نظام‌های سیاسی در جوامع اسلامی سبب تغییر در احکام و سازمان‌دهی مالیات‌های اسلامی شد. به نحوی که در اموال مشمول زکات و خمس و نحوه جمع‌آوری و توزیع آن اختلاف نظرهایی بین مذاهب اسلامی به وجود آمد. با تحولات همه جانبه‌ای که امروزه در کشورهای اسلامی به وجود آمده پیوند بین آموزه‌های دینی و نظامات سیاسی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر این کشورها از جمله ضروریات عصر حاضر است که بانکداری بدون ربا، مالیات‌های اسلامی، ابزارهای مالی اسلامی و بازار اسلامی از مواردی هستند که در حوزه اقتصاد اهمیت ویژه‌ای دارند. به دلیل وجود ملاحظات و محدودیت‌ها، ساماندهی این موارد و اجرایی کردن آن‌ها قطعاً می‌بایست با در نظر گرفتن این ملاحظات انجام پذیرد. نتایج حاکی از این است که عدم وجود قوانین منسجم در جهت پیوند بین قوانین مالیاتی کشور و مالیات‌های اسلامی و عدم ساختار مناسب از مهم‌ترین ملاحظات برای اجرایی کردن مالیات‌های اسلامی است. همچنین تمرکز مالیات‌های اسلامی- بالاخص خمس- در اختیار نظام اجرایی کشور هم استقلال حوزه‌های علمیه را تهدید می‌کند و هم با ملاحظات و محدودیت‌هایی مثل عدم وجود سازوکار مناسب در دستگاه‌های اجرایی، عدم وجود قوانین مالیاتی عام که شامل زکات و خمس نیز است، عبادی بودن خمس و زکات، پرداخت مضاعف مالیات از جانب متدینین، مقدس بودن نهاد جمع‌آوری‌کننده خمس (مرجعیت)، خود اظهاری بودن زکات و خمس، عدم احتساب پرداخت خمس و زکات به عنوان مالیات‌های متعارف از جانب نهادهای دولتی، اختلاف در موارد تعلق و مصارف خمس و زکات با مالیات و عدم شایستگی نهادهای اجرایی برای جمع‌آوری و توزیع مالیات‌های دینی به دلیل عبادی بودن آن‌ها مواجه است. لذا سازمان‌ها و نهادهای رسمی کشور در جهت سازمان‌دهی مالیات‌های اسلامی به دلیل تصویب قانون زکات و کم بودن مبلغ آن و همچنین شمول زکات بر محصولات زراعی که نه تنها از پرداخت زکات معاف‌اند بلکه تولید آن‌ها با حمایت‌های دولتی همراه است، زکات را از این

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

مهم استثنا کرده و خمس را به دلیل ارقام قابل توجه و تشابه آن به مالیات بر درآمد مورد توجه قرار می‌دهند. در این راستا باید قوانین مالیات بر درآمد کشور با نگاه به خمس ارباح مکاسب بازنگری شده و برای حفظ استقلال حوزه‌های علمیه و مرجعیت شیعه نگاه به خمس و تدوین قانون خمس نگاهی تشویقی و احتساب آن به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد باشد. تا اهدافی مثل عبادی بودن زکات و خمس، پرداخت مضاعف مالیات از جانب متدینین، مقدس بودن نهاد جمع‌آوری‌کننده خمس (مرجعیت)، خود اظهاری بودن زکات و خمس و عدم احتساب پرداخت خمس و زکات به عنوان مالیات‌های متعارف از جانب نهادهای دولتی تأمین شود (کیاءالحسینی، ۱۳۹۰).

۳. اصول حاکم بر نظام مالیاتی اسلام

از مطالعه نظام مالیاتی اسلام می‌توان اصول راهبردی مهم ذیل را برای سیاست‌گذاری استنباط کرد.

- **اصل تقدم مصالح مردم:** هدف از تشریع احکام مالی و وضع مالیات‌های ثابت و متغیر در اسلام، تأمین مصالح و منافع مردم است؛ به طوری که حتی اگر در وضعیت خاصی، گرفتن اصل مالیات یا گرفتن نرخ معینی از آن، به فرآیند رشد اقتصادی جامعه آسیب رساند و مردم را دچار مشقت کند، متوقف می‌شود.

حضرت امیر علیه‌السلام وقتی مالک را به فرمانداری مصر منصوب می‌کند، ضمن یادآوری اهمیت خراج برای حکومت می‌فرماید:

در کار خراج نیکو نظر کن؛ به‌گونه‌ای که به صلاح خراج‌گزاران باشد؛ زیرا صلاح کار خراج و خراج‌گزاران، صلاح کار دیگران است و دیگران حالشان نیکو نشود، مگر به نیکو شدن حال خراج‌گزاران؛ چرا که همه مردم روزی خوارخراج و خراج‌گزارانند؛ ولی باید بیش از تحصیل خراج در اندیشه آبادی زمین باشی که خراج حاصل نشود، مگر به آبادانی زمین و هر که خراج طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را نابود کرده است و کارش استقامت نیابد، مگر اندکی. هرگاه از سنگینی خراج یا آفت محصول یا خشک شدن چشمه‌ها یا کمی باران یا دگرگونی زمین در اثر آب‌گرفتگی و فساد بذرها یا تشنگی بسیار زراعت و فاسد شدن آن نزد تو شکایت آورند، مالیات را به مقداری که حال آن‌ها را بهبود بخشد، تخفیف ده و سبک گردان و هرگز این تخفیف بر تو

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

سخت و گران نیاید؛ زیرا آن ذخیره‌ای است که در عمران و آبادانی سرزمینت آن را به تو بازمی‌گردانند.

دقیقاً به سبب رعایت مصالح مردم است که شرایط تعلق مالیات، نرخ مالیاتی و زمان و کیفیت حصول مالیات‌ها در اسلام چنان تنظیم شده که تولید و اشتغال هیچ آسیبی نبیند؛

- **اصل عدالت مالیاتی:** بیش‌تر نظریه‌پردازان نظام‌های مالیاتی مدعی عدالت‌اند؛ اما در مقام عمل، گاه گمان می‌کنند که همیشه و همه‌جا رعایت «اصل منفعت» به عدالت می‌انجامد؛ درنتیجه سراغ این می‌روند که چه کسی، چه میزان از خدمات عمومی و منابع طبیعی استفاده می‌کند و به تناسب آن مالیات وضع می‌کنند و گاه عدالت را در «اصل توانایی پرداخت» دیده، و قدرت پرداخت مؤدی را ملاک و معیار تنظیم قوانین مالیاتی قرار می‌دهند. اسلام مثل دیگر احکامش در احکام مالی نیز به دور از هر نوع افراط و تفریط و به دور از بزرگ کردن یک پارامتر و غفلت از پارامترهای دیگر نه تنها مسئله میزان توانایی مؤدیان مالیاتی و مسئله میزان استفاده آنان از خدمات عمومی دولت و منابع طبیعی توجه می‌کند (که از حد نصاب‌ها و تفاوت نرخ‌ها به طور کامل روشن است)، بلکه به عوامل دیگری چون تأمین رفاه اجتماعی و توزیع مجدد درآمدها و ثروت‌ها و میزان نیاز نیازمندان نیز توجه دارد. در روایات نقل شده که اگر خداوند می‌دانست نیاز حاجت‌مندان به این اندازه برآورده نمی‌شود، نرخ زکات را افزایش می‌داد؛
- **اصل معنویت و عبادت:** پرداخت بخشی از حاصل دسترنج، از جهت روحی و روانی مشکل و همیشه با اکراه و عدم طیب نفس توأم است. برای حل این مشکل روحی، اسلام افزون بر اینکه به مؤدیان مالیاتی یادآور می‌شود کل درآمدهای آنان حاصل زحماتشان نیست، بلکه بخشی از آن‌ها سهم منابع طبیعی و خدمات عمومی است، تذکر می‌دهد که خداوند صدقات آن‌ها را چند برابر در دنیا و آخرت پاداش می‌دهد؛
- **اصل اعتماد:** رعایت اصل مصلحت و عدالت به معناهایی که گذشت و تزریق روح عبادی و معنوی در احکام مالی در کنار اصل نظارت همگانی اسلام (امر به معروف و نهی از منکر) سبب شده است تا اطمینان و اعتماد قابل توجهی بین مردم و حکومت پدید آید؛ به‌گونه‌ای که افزون بر راهکار خوداظهاری مؤدیان مالیاتی، راهکار خودگردانی نیز به شکل گسترده

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

مطرح شود؛ یعنی مؤدیان مالیات‌های شرعی اختیار داشتند بدهی مالیاتی خود را در موارد شرعی مصرف کنند و این دو راهکار، افزون بر اینکه اثر تشویقی فوق‌العاده‌ای در اصل پرداخت داشت، هزینه‌های گردآوری و به مصرف رساندن وجوه را در حد چشمگیری کاهش می‌داد.

شناخت و به‌کارگیری این اصول و اصول دیگر که در نظام مالیاتی اسلام نهفته است، می‌تواند کمک قابل توجهی برای مسئولان نظام مالیاتی باشد که از یک سو، مؤدیان مالیاتی مدام از ظالمانه بودن موارد و نرخ‌ها شکایت دارند و از سوی دیگر، کارگزاران مالیاتی از فرار مالیاتی مردم گله می‌کنند و از سوی دیگر، واقعیت‌ها از رواج انواع رشوه و اجحاف، بالا بودن هزینه تحصیل مالیات‌ها و ... در نظام مالیاتی ایران خبر می‌دهد (پورفرج، ۱۳۸۹).

٤. شاخص‌های نظام مالیات اسلامی به عنوان الگوی هدف برای نظام مالیاتی ایران

با توجه به ویژگی‌ها و شاخصه‌های نظام مالیاتی اسلام، به نظر می‌رسد نظام مالیاتی کشور برای اینکه بخواهد مدعی الگوپذیری از الگوی نظام مالیاتی اسلام باشد، نیازمند تحول اساسی و جدی است. مهم‌ترین مانع برای این امر، نداشتن شناخت کافی از نظام مالیاتی اسلام و عدم احساس ضرورت برای فراگیری و اجرای آن است. چنان‌که بیان شد، چون أخذ مالیات به ظاهر حرمت شرعی ندارد، سیاست‌مداران و دولت‌مردان و اقتصاددانان، هیچ‌یک در مقام یافتن الگویی از مالیات‌های اسلامی برنیامده‌اند. داوری درباره مالیات‌های موجود یا جدید در بهترین حالت، بر اساس تجربه گذشته و عملکرد مالیات‌های پیشین صورت گرفته و به هماهنگی و سازگاری آن با اهداف و عملکرد مالیات‌های صدر اسلام که بهترین الگو برای مالیات‌های اسلامی است، توجه نشده است. صرف نظر از این مانع اساسی، برای شناسایی میزان تحقق هرکدام از شاخص‌های نظام مالیات اسلامی می‌توان از روش‌های گوناگونی بهره گرفت. به عنوان نمونه، برای عادلانه بودن مالیات‌ها می‌توان بار مالیاتی را محاسبه کرد. اگر این نسبت با توجه به توان پرداخت تنظیم شده باشد، می‌توان گفت شیوه‌ای عادلانه است (صدر و گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۱).

برای تشخیص اینکه مؤدیان تا چه اندازه با طیب خاطر و داوطلبانه مالیات خود را می‌پردازند، محاسبه فرار یا اجتناب مالیاتی می‌تواند مفید باشد. در زمینه فرهنگ مالیاتی و محاسبه شاخص فرار و اجتناب مالیاتی، دیدگاه عمومی درباره مخارج دولت اهمیت زیادی دارد. هنجارها

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

و کنش‌های اجتماعی، عدالت مالیاتی، عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، عدم مبادله مطالعات کامل، نبود سیستم نظارت و پیگیری در اخذ مالیات، عدم استقبال از تسلیم اظهارنامه‌های مالیاتی و ضعیف بودن ضمانت‌های اجرایی در این مورد، تأخیر در وصول مالیات، مشکلات مربوط به تشخیص علی‌الراس مالیات، قوانین پیچیده و متعدد، عدم شناسایی مؤدیان و مستند نبودن میزان درآمد آن‌ها، وجود معافیت‌های وسیع و متنوع و ... برخی از عوامل نهادی فرار مالیاتی هستند. بدیهی است احساس سنگین بودن بار مالیاتی و وجود تبعیض بین درآمد حقوق‌بگیران و درآمد مشاغل دیگر نیز می‌تواند در عدم تمایل باطنی مؤدیان مؤثر باشد. همچنین با محاسبه هزینه تحصیل یک واحد درآمد مالیاتی تا حدودی می‌توان سیستم اجرایی را ارزیابی کرد. ارزیابی هر سیستم مالیاتی در چهارچوب وظایفی صورت می‌گیرد که برای آن در نظر گرفته می‌شود. ممکن است نقش مالیات‌ها برای کسب درآمد مالیاتی یا توزیع مجدد درآمد یا تخصیص بهینه منابع و یا ترکیبی از آن‌ها در نظر گرفته شود که تا حدود فراوانی به تجربه ثابت شده است برخی از نقش‌ها به‌ویژه دو نقش کسب درآمد و تخصیص بهینه (کارایی) با نقش توزیع مجدد درآمد در تضادند؛ بنابراین با توجه به اولویت‌های هر نظام سیاسی- اجتماعی ممکن است برخی از نقش‌ها اهمیت داده شوند و یا برخی مانند نقش توزیع مجدد، به عهده اهرم‌های دیگر اقتصادی مثل مخارج عمومی گذاشته شوند. چنین به نظر می‌رسد برای حفظ احترام و شخصیت مؤدیان و جلب اعتماد آنان، دولت باید بیش از پیش از اهرم‌های اجبار و تهدید در نظام اجرایی بپرهیزد و با تشویق درستکاران و ارشاد و تنبیه مناسب فراریان مالیاتی و اصلاح بیشتر نظام مالیاتی، زمینه را برای همکاری و مشارکت مؤدیان فراهم سازد و بدین وسیله، هزینه گردآوری مالیات را کاهش دهد (علم‌الهدی، ۱۳۹۵).

۵. نحوه مناسب اجرای مالیات‌ها

اجرای مالیات‌ها مستلزم دو فرآیند کلی تشخیص منبع مالیات و وصول آن است. تشخیص مالیات شامل شناسایی مؤدیان مالیاتی و تعیین منبع مشمول مالیات است. در تعیین منبع مالیاتی، ارزیابی منبع مالیاتی و ضمانت‌های اجرایی در مراحل تشخیص، از نکات مهم در بحث جمع‌آوری مالیات است. انتخاب مأموران مالیاتی، جلب همکاری و رضایت مؤدیان، نظارت و ضمانت‌های اجرایی و بررسی جرائم مالیاتی بسیار حائز اهمیت است (نظری، ۱۳۸۲). از منظر اقتصاد اسلامی می‌توان

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

خصوصیاتی را برای نظام مالیاتی در نظر گرفت که این خصوصیات بیشتر در اجرای مالیات نمود پیدا می‌کنند (جعفری و صمیمی، ۱۳۸۹). این خصوصیات عبارت‌اند از: عبادی بودن و وظیفه تلقی کردن پرداخت مالیات، حداقل هزینه جمع‌آوری مالیات، عدالت اجتماعی، معین بودن موارد مصرف هر مالیات، مردمی و اخلاقی بودن، گستردگی دایره انفاق و عدم انتقال مالیات به دیگران. در ابتدا باید طوری بین مردم فرهنگ‌سازی شود که آن‌ها پرداخت مالیات را یک وظیفه تلقی کنند و برای استمرار حکومت اسلامی و آبادانی و توسعه آن لازم بدانند. به دلیل عدم اعتماد مردم به سیستم مالیاتی دولت اجرای یک برنامه مالیاتی با موانع متعددی روبه‌رو است؛ و تنها راه‌حل، همکاری و اعتماد خود مردم به این برنامه مالیاتی خواهد بود. با توجه به آیات و روایات متعددی که در این زمینه وجود دارد، تعاون و همکاری اجتماعی، یکی از اصول و قواعد اساسی اسلامی در مباحث اقتصادی به شمار می‌رود (حکیمی، ۱۳۷۰).

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران فاقد یک نظام یکپارچه است که بتواند مجموعه منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف را در قالبی منسجم درون خود بگنجاند. از این رو ساختار موجود سبب ایجاد ناهمگونی‌ها و ناهماهنگی‌هایی در حوزه اجرایی مالیات‌های متعارف و اسلامی شده و لازم است که تغییرات ساختاری قابل توجهی در این حوزه صورت گیرد که برخی از این مشکلات به شرح زیر است:

۱. پرداخت‌های موازی و بعضاً چندگانه مالیات‌های متعارف و اسلامی توسط مردم: در واقع بخش زیادی از مردم جامعه به پرداخت خمس و زکات مبادرت می‌ورزند و نظام مالیاتی بدون توجه به این نوع پرداخت‌ها، به آن‌ها مالیات نیز وضع می‌کند. هرچند هر سه از نظر شرعی واجب هستند، اما ساختار موجود منجر به فشار وارد آوردن بیش از حد به برخی از خانوارها و تولیدکنندگان می‌شود که سهم مردم معتقد به اسلام بسیار زیاد است. به نظر می‌رسد این امکان وجود دارد که ساختار را به‌گونه‌ای طراحی کرد که اولاً، این فشارها را به حداقل رسانده و ثانیاً، افراد به صورت آزادانه و بدون احساس فشار به پرداخت هر سه نوع مالیات اقدام کنند؛

۲. مخارج موازی و غیرهماهنگ دولت و مراجع معظم تقلید که ناشی از نداشتن سامانه اطلاعاتی مشترک در بعد مخارج است. در واقع وضعیت موجود به‌گونه‌ای است که ممکن است برای

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

برخی از امور، بودجه‌های مختلفی از سوی دولت و مراجع معظم تقلید اختصاص داده شود و به برخی از امور دیگر که لازمه جامعه اسلامی هستند، بودجه‌ای اختصاص داده نشود؛ مانند رفع فقر که ممکن است اشخاصی هم از دولت و هم از سوی مراجع تقلید وجوهاتی دریافت کنند، اما عده‌ای دیگر از این شرایط محروم بمانند. علت اصلی این مشکل نداشتن سامانه اطلاعاتی مشترک در مصرف وجوهات و یا مشخص نبودن وظایف در حوزه مصارف است؛

۳. کم‌توجهی بخشی از جامعه به پرداخت وجوهات شرعی که یکی از دلایل آن وضعیت ساختار موجود در نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف است. در واقع بسیاری از افراد به دلیل پرداخت مالیات از پرداخت خمس و زکات اجتناب می‌ورزند و پرداخت مالیات را توجیهی برای پرداخت نکردن خمس و زکات می‌دانند. هرچند این توجیه ناصواب است، اما واقعیت جامعه ما حاکی از آن است که این شرایط وجود دارد و البته قابل حل است. از طرفی ساختار موجود هیچ نوع انگیزه‌ای برای پرداخت خمس و زکات ایجاد نمی‌کند. در حالی که این امکان وجود دارد که ساختار به‌گونه‌ای طراحی شود که چنین انگیزه‌ای را فراهم آورد؛

۴. غفلت از دو منبع مهم منابع مالی اسلامی یعنی زکات و خمس در تأمین بودجه کشور علی‌الخصوص در شرایطی که به دنبال کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و استقلال مالی دولت هستیم. مخصوصاً اینکه تحقیقات تجربی نشان داده است که در سال‌های اخیر ظرفیت بالقوه خمس و زکات در جامعه ما از درآمدهای مالیاتی دولت بیشتر بوده و مقدار آن در حدی بوده است که برای رفع فقر در جامعه کفایت کند؛ لذا می‌توان از خمس و زکات با حفظ قوانین شرعی برای تأمین بودجه دولت استفاده کرد؛

۵. غفلت از ظرفیت‌های فرهنگی جامعه به منظور کاهش فرار مالیاتی. به نظر می‌رسد با توجه به پتانسیل فرهنگی و سرمایه اجتماعی بالایی که در جامعه مسلمانان نسبت به پرداخت خمس و زکات به عنوان یک امر عبادی واجب وجود دارد و بسیاری از مردم به دلیل اعتقادات خویش از آن فرار نمی‌کنند، این ظرفیت قابل تسری به نظام یکپارچه مالیاتی نیز است که خمس و زکات و نیز مالیات‌های متعارف جزئی از آن هستند و این امکان به وجود می‌آید که فرار مالیاتی تا حد قابل قبولی کاهش یابد؛

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

۶. تبلیغات رسانه‌های معاند و دشمن اسلام مبنی بر وجود فساد در مصارف وجوهات شرعی. این در حالی است که مراجع معظم تقلید از بزرگ‌ترین سرمایه‌های این نظام هستند و تخریب وجهه ایشان در واقع تخریب وجهه نظام محسوب می‌شود. بر همین اساس این امکان وجود دارد که در ساختار جدید، با گونه‌ای از شفاف‌سازی در مخارج، اولاً، از این تبلیغات منفی بکاهیم و ثانیاً، با ارائه شفاف فهرست خدمات مالی که مراجع داشته‌اند، خوش‌بینی مضاعفی را در بین مردم ایجاد کنیم و زمینه تشویق به پرداخت خمس و زکات را فراهم آوریم و نهایتاً با در اختیار داشتن سامانه اطلاعاتی مشترک، در بعد مصارف از کارهای موازی از یک سو و بی‌نصیب گذاشتن برخی از امور لازم از سوی دیگر اجتناب ورزیم (کاشیان، ۱۳۹۴).

مواردی که در قسمت فوق بدان اشاره شد، حاکی از آن است که نبود سیستم یکپارچه در کشور می‌تواند باعث بروز چه مشکلاتی شود. همین امر ضرورت طراحی الگویی جهت یکپارچه‌سازی نظام مالیات‌های اسلامی و متعارف را بیش از پیش افزایش می‌دهد. با وجود این، به غیر از مسائل فوق مسئله دیگری نیز وجود دارد که اهمیت آن از همه موارد پیشین بیشتر است و آن مسئله احیای نظام خمس و زکات است که به دلیل پیش‌زمینه مردم ایران از زمان‌های قدیم و سیستم شاهنشاهی و دیکتاتوری این عدم اطمینان و احساس ظلم در مردم به نوعی نهادینه شده است. برای حل این معضل باید دولت با اجرای برنامه‌های مدیریتی و فرهنگی مناسب این اطمینان را در مردم ایجاد کند که ظلمی بر آن‌ها تحمیل نمی‌شود و پرداخت مالیات به صورت گروهی باعث پیشرفت گروه خود فرد خواهد شد. راهکاری که در این زمینه می‌توان ارائه کرد فدرالی کردن مالیات‌ها است. منظور از فدرالی کردن مالیات‌ها این است که مالیات از هر منطقه‌ای که دریافت می‌شود در همان منطقه نیز خرج شود. شاید به نظر آید مناطقی که درآمد ساکنان آن‌ها بیشتر است از امکانات بیشتری بهره‌مند خواهند شد، ولی این کار به هیچ عنوان منافاتی با عدالت اجتماعی نخواهد داشت. اجرای این برنامه می‌تواند باعث تحریک حس ناسیونالیستی مردم هر منطقه شده و به وجود آورنده یک رقابت بالقوه در مردم برای ارتقای سطح خود و افراد گروه خویش شود (شهرکی و شمس‌الدینی، ۱۳۸۹). همچنین باید سیستمی پیاده کرد تا جمع‌آوری مالیات پرهزینه نباشد؛ باید توجه داشت اگر مردم نخواهند مالیات پرداخت کنند جمع‌آوری مالیات بسیار سخت و پرهزینه خواهد بود که باز هم بهترین شیوه، فرهنگ‌سازی مالیاتی و خود اظهاری مردم

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

است (نظری، ۱۳۸۲). اجرای مالیات‌ها مسئله بسیار مهم و حساسی است؛ زیرا باید به مسئله عدالت توجه ویژه‌ای کرد تا به هیچ‌وجه بر کسی ظلمی وارد نشود. در احادیث دینی نیز موارد اخلاقی‌ای برای اخذ زکات به عنوان مالیات اسلامی و منبع مالی بیت‌المال آمده است؛ برای مثال فرمایش امام علی (ع) به مأموران مالیاتی خود که فرمودند: در حرکت آیید، با پرهیزگاری و ترس از خداوندی که یگانه است و او را شریکی نیست. زنهار، مسلمانی را مترسانید و اگر خود نخواهد به سراغش مروید و بیش از آنچه حق خداوند است، از او مستانید. چون به قبیله‌ای رسیدید بر سر آب آن‌ها فرود آیید و به خانه‌هایشان داخل مشوید. آنگاه با آرامش و وقار به سوی ایشان روید تا به میانشان برسید. سپس امام ادامه می‌دهد: سلامشان کنید و تحیّت گویید و در سلام و تحیّت امساک منمایید. سپس، بگوی که ای بندگان خدا، ولی خدا و خلیفه او ما را به نزد شما فرستاده تا سهمی را که خدا در اموالتان دارد بستانیم. آیا خدا را در اموالتان سهمی هست که آن را به ولی خدا بپردازید؟ امام ادامه می‌دهد: اگر کسی گفت: نه، به سراغش مروید و اگر کسی گفت: آری، بی‌آنکه او را بترسانید یا تهدیدش کنید، یا بر او سخت گیرید، یا به دشواریش افکنید، به همراهش بروید و آنچه از زر و سیم دهد، بستانید و اگر او را گاو و گوسفند و شتر باشد، جز به اجازه صاحبانش به میان رمه مروید، زیرا بیشتر آن‌ها از آن اوست و چون به رمه چارپایان رسیدید، مانند کسی مباشید که خود را بر صاحب آن‌ها مسلط می‌شمارد یا می‌خواهد بر او سخت گیرد. چارپایی را رم مدهید و مترسانید و صاحبش را در گرفتن آن مرنجانید. امام علی (ع) در ادامه می‌افزاید: پس مال را هر چه هست به دو بخش کنید و صاحب مال را به گزینش یکی از آن دو بخش مخیّر گردانید و در آنچه برای خود برمی‌گزیند، متعرضش مشوید. سپس، باقی را باز به دو بخش کن و باز او را در گرفتن یکی از آن دو بخش مخیر نمایید و در آنچه برای خود برمی‌گزیند، سرزنش منمایید. پیوسته چنین کنید تا آن قسمت که حق خداوند در آن است، بر جای ماند. پس سهم خدا را از او بستانید و اگر پنداشت که مغبون شده و خواست آن‌گونه قسمت کردن را بر هم زند، از او بپذیرید و بار دیگر دو قسمت را یکی کن و باز قسمت از سر گیر تا سهم خدا را از مال او معین کنی و بستانی؛ ستور پیر و سالخورده و پای و پشت شکسته و بیمار و لاغر و معیوب را مگیرید. امام همچنین به بحث امانت‌داری اموال مؤمنان بسیار حساس است و می‌فرماید: چون مال مسلمانان را می‌فرستید، آن را به کسی بسپارید که به دین‌داری او مطمئن باشید تا آن را به ولی امر مسلمانان برساند و او میان مسلمانان قسمت نماید و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

به نگهداری آن‌ها مگمارید، مگر مردی نیک‌خواه و مهربان و امین را که نیکو نگهبانی کند. (نهج‌البلاغه، نامه ۲۵). از اینجا اهمیت فرهنگ‌سازی مالیاتی در مردم و عبادی بودن و وظیفه تلقی کردن پرداخت مالیات‌ها از طرف آن‌ها، نمود بیشتری پیدا می‌کند. بدون شک هیچ برنامه‌ای بدون همکاری خود مردم انجام‌پذیر نیست، برای همین مشارکت دادن خود مردم در این امر می‌تواند تسهیل‌کننده جمع‌آوری مالیات باشد (شمس‌الدینی و شهرکی، ۱۳۹۰).

٦. بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف

به منظور طراحی الگویی برای یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف لازم است حداقل در مورد نوع معافیت مالیاتی تصمیم‌گیری شود.

یکی از مؤلفه‌های اصلی طراحی الگوی یکپارچه‌سازی منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف، استفاده از سازوکار معافیت‌های مالیاتی است. معافیت‌های مالیاتی مهم‌ترین رکنی است که در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی منابع مالیات اسلامی و مالیات‌های متعارف مورد استفاده قرار می‌گیرد. به همین منظور لازم است که مجموعه معافیت‌های مالیاتی در ایران را مورد بحث و بررسی قرار دهیم تا چرایی و سازوکار ایجاد معافیت مالیاتی نسبت به پرداخت‌کنندگان وجوهات شرعی را تبیین کنیم. چنانچه بخواهیم در یک نگاه کلی مجموع علل معافیت‌های مالیاتی در قانون مالیات ایران بررسی شود، می‌توانیم آن‌ها را در شش دسته کلی طبقه‌بندی کنیم: ۱. حمایتی؛ ۲. تشویقی؛ ۳. هزینه‌ای؛ ۴. جلوگیری از پیچیدگی مالیاتی؛ ۵. باز توزیع عادلانه ثروت؛ ۶. جلوگیری از پرداخت مالیات مضاعف.

در حال حاضر قانون مالیاتی ایران، در موارد متعددی و بنابر دلایل مختلف، معافیت‌های مالیاتی را در سطوح مختلف در نظر گرفته است و در قانون مالیات‌های مستقیم در ۱۴ ماده قانونی (ماده ۱۳۲ الی ۱۴۶) این معافیت‌ها بیان شده است. ازنظر نوع و شیوه معافیت‌های مالیاتی، این معافیت‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. معافیت از شمول در مالیات؛ ۲. معافیت از مالیات به مقدار پرداختی در امور مختلف؛ ۳. محسوب شدن مبالغ پرداختی خاص به عنوان هزینه قابل قبول.

در شیوه اول، بسیاری از پرداخت‌ها یا فعالیت‌های اقتصادی از مالیات معاف می‌شوند و هیچ هزینه‌ای برای مالیات در نظر گرفته نمی‌شود (مانند صادرات)؛ در رویکرد دوم، نظام مالیاتی برخی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

از پرداخت‌ها، هدایا و نیز نذورات را مشمول معافیت مالیاتی قرار می‌دهد؛ به این معنا که به میزان کل پرداخت‌های شخص در بخشی خاص، او را مشمول معافیت مالیاتی قرار می‌دهد (مانند هزینه‌های درمانی پرداختی هر مؤدی بابت معالجه خود یا همسر، اولاد، پدر، مادر، برادر و خواهر تحت تکفل در یک سال مالیاتی)؛ در رویکرد سوم، بخشی از پرداخت‌ها، هدایا و نیز مخارج عده‌ای از اقشار جامعه به عنوان هزینه قابل قبول در پرداخت مالیات در نظر گرفته می‌شود. به این معنا که کل مبلغ این هزینه‌ها از درآمد مشمول مالیات شخص کسر شده و میزان مالیات او بعد از آن محاسبه می‌شود. عمده‌ترین سهم از این نوع بخشودگی‌ها اختصاص به کمک‌های عام‌المنفعه دارد (ماده ۱۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم).

بر این اساس، از آنجا که در حال حاضر وجوهات خمس و زکات در همین امور یعنی مدیریت حوزه‌های علمیه و مدارس علوم دینی و نیز امور خیریه و عام‌المنفعه مصرف شود، می‌توان با تکیه بر این قانون این نوع از مالیات‌ها را مشمول هزینه‌های قابل قبول تلقی کرد (عسکری، ۱۳۸۸).

یکی از عللی که در قانون مالیات‌ها عامل معافیت مالیاتی در نظر گرفته شده است، اجتناب از اخذ مالیات‌های مضاعف است. از آنجا که خمس و زکات نیز نوعی مالیات محسوب می‌شوند، از افرادی که خمس و زکات می‌پردازند، مالیات مضاعف دریافت می‌شود. بدیهی است که اگر از این منظر به موضوع نظر بیفکنیم، خواهیم دید که لازم است نظام مالیاتی افراد را به میزانی که خمس و زکات پرداخت می‌کنند، مشمول معافیت مالیاتی قرار دهد. نکته‌ای که در اینجا باید اشاره شود این است که با در نظر گرفتن معافیت‌های مالیاتی، نقش حمایتی و نیز تشویقی آن‌ها نیز مشخص می‌شود. درواقع اولاً، این نوع از معافیت‌ها باعث می‌شود که خانواده‌های مذهبی مورد حمایت بیشتری قرار گیرند و از پرداخت‌های موازی به دور باشند؛ ثانیاً، افرادی که به هر دلیلی از پرداخت خمس اجتناب می‌کردند، در شرایط فعلی تشویق به پرداخت خمس و زکات می‌شوند. در اینجا رویکرد سومی نیز وجود دارد که در شرایط خاصی می‌تواند مفید واقع شود. این رویکرد عبارت است از اینکه بخشی از خمس و زکات به عنوان معافیت مالیاتی در نظر گرفته شود. علت تمسک به چنین رویکردی این است که بسیاری از افراد در مواجهه با پرداخت خمس و زکات و مالیات ترجیح می‌دهند که خمس و زکات را پرداخت کنند و مشمول معافیت مالیاتی قرار بگیرند. طبیعی است که بخش زیادی از وجوهاتی که قبلاً به صورت مالیات پرداخت می‌شدند، به صورت خمس و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

زکات پرداخت می‌شوند و به جای واریز شدن به خزانه، در اختیار متولیان وجوهات شرعی قرار می‌گیرد. حال اگر در قانون مالیاتی درصد معینی از پرداخت خمس و زکات به عنوان معافیت مالیاتی در نظر گرفته شود، درواقع نوعی ابزار سیاستی ایجاد شده است که میزان انتقال وجوهات مالیاتی از دولت به متولیان خمس و زکات را مدیریت می‌کند (شهرکی، ۱۳۹۰).

۷. پیش‌فرض‌ها و قیود طراحی الگوی مالیات‌های اسلامی و متعارف

پیش‌فرض در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی به شرح زیر است:

آیات و روایات دلالت بر آن دارند که بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی ریشه در عدم پرداخت خمس و زکات دارد و مادامی که چنین مسئله‌ای حل نشود، تلاش‌های دیگر فایده چندانی نخواهد داشت. همین مسئله ضرورت پرداختن به خمس و زکات و طراحی الگویی برای تشویق افراد جامعه به پرداخت خمس و زکات را دوچندان می‌کند. اصل پرداختن به طراحی الگوی یکپارچه‌سازی و نظام منابع مالی اسلامی در همین راستا است تا آثار پرداخت خمس و زکات از جمله درمان بخل، برکت رزق، بیمه مال، محبوبیت نزد خدا، باز شدن گره‌ها، کفاره گناهان، رهایی از کیفر، جاودانگی اموال، استجابت دعا، کینه‌زدایی، بنیه دینی مردم، تربیت نسل پاک، فقرزدایی و ایجاد اشتغال در بین مردم گسترش یابد (کاشیان، ۱۳۹۴).

بر اساس روایات، زکات و خمس دو ابزار مهم دولت برای رفع فقر هستند. با توجه به فلسفه وضع زکات در اسلام می‌توان گفت که زکات و خمس عمدتاً برای رفع فقر وضع شده‌اند (شیخ صدوق، ص ۱۴۱۳. ه ق، ج ۳۰۸،۲)؛ اما این بدان معنا نیست که استفاده از زکات محصور در رفع فقر باشد. از مجموع روایات و آیات قرآن کریم و نیز از نظرات فقهی حضرت امام (ره) این‌گونه برداشت می‌شود که زکات و خمس صرفاً برای رفع فقر و کمک به زندگی فقرا نیست، هرچند هدف اصلی آن رفع فقر است. مشهور فقیهان امامی، بلکه اکثریت آنان معتقدند زکات در نه چیز واجب است و این نه چیز عبارت است از: گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره. در میان فقهای شیعه تعداد معدودی، قول مشهور را نپذیرفته و به وجوب زکات در مواردی به جز اشیای نه‌گانه قائل شده و یا بنابر احتیاط، ترک آن را در این اشیا جایز ندانسته‌اند (عسکری، ۱۳۸۴).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

عده‌ای نیز انحصار زکات در موارد نه‌گانه را پذیرفته‌اند اما تفسیر دیگری از برخی از موارد مانند نقدین کرده‌اند و پول را نیز مصداق نقدین و مشمول زکات دانسته‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۹). با این حال آنچه مشهور است انحصار زکات در موارد نه‌گانه است و روایات زیادی دلالت بر آن دارند. همچنین فقهای شیعه با توجه به معنای لغوی غنیمت در آیه شریفه خمس و به استناد روایات و اجماع طایفه، موارد تعلق خمس را تا هفت مورد برشمرده‌اند که این موارد عبارت‌اند از: ۱. غنائم جنگی؛ ۲. معدن؛ ۳. گنج؛ ۴. غواصی؛ ۵. درآمد کسب؛ ۶. زمینی که ذمی از مسلمان بخرد؛ ۷. مال حلال مخلوط به حرام. در حال حاضر آنچه از این موارد بیشتر موضوعیت دارد خمس ارباح مکاسب و معدن است. بررسی روایات و تاریخ نشان می‌دهد که فریضه زکات آنچنان اهمیتی دارد که تنها به صدور حکم آن اکتفا نشده است، بلکه رسول‌الله مأمور بودند آن را از مالکین اموال زکوی اخذ کنند، ولو آنکه به قتال، محاربه و لشکرکشی هم منجر شود. در آیاتی از قرآن کریم، پیامبر (ص) به جهاد با کسانی دعوت می‌شود که حاضر به پرداخت زکات نیستند. همچنین، در قصص و روایات متعدد پیامبر (ص) پس از امتناع قوم یا قبیله‌ای از ایتای زکات، دستور آماده شدن لشکر و تجهیز قوا برای جنگ را صادر فرمودند. بنابراین بعد اجتماعی زکات و خمس و نیز ضرورت پرداختن آن در سطح جامعه و نیز نقش حکومت در قبال جمع‌آوری این وجوهات از مهم‌ترین مسائلی است که در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی از این پیش‌فرض اتخاذ شده است.

اسلام کار ویژه اجتماعی و اقتصادی بسیار مهمی برای زکات تعیین کرده است. به عنوان مهم‌ترین کار ویژه زکات به رفع فقر می‌توان اشاره کرد و همچنین کارهایی از قبیل ساخت مدرسه، بیمارستان و هر آنچه مسئولان جامعه اسلامی صلاح بدانند؛ اما تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که مجموع درآمدهای حاصل از زکات به نسبت نیازهای کشور و کار ویژه‌ای که برای زکات تعریف شده است، مقدار چندانی نیست. بر همین اساس بسیاری از محققین اصرار دارند که قانونی بودن یا نبودن زکات تفاوت چندانی ندارد و عملاً آن را بی‌فایده دانسته‌اند. فرضیه‌های پاسخگو به این نوع تشکیک در کارایی زکات دلالت بر آن داشتند که معنای زکات در قرآن یک معنای عام است و شامل هر نوع واجب مالی مانند خمس، زکات موارد نه‌گانه، خراج و امثال آن می‌شود. لذا خمس نیز خود نوعی زکات محسوب می‌شود و به طور برجسته مورد تأیید بوده است و منابع عظیمی در اختیار دولت قرار داده است؛ به عبارت دیگر هرچند زکات موارد نه‌گانه به لحاظ درآمدی بسیار

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

محدود است، ولی در کنار خمس می‌تواند منبع بسیار مناسبی برای حکومت اسلامی محسوب شود (عسکری، ۱۳۸۴).

عمده منابع مالی اسلامی را خمس و زکات تشکیل می‌دهند و مالیات‌های متعارف، به صورت ثانوی و در حکم اضطرار و یا بر اساس حکم حکومتی قابل وضع هستند. به همین دلیل در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف آنچه باید مد نظر قرار گیرد، اصل بودن خمس و زکات است و اینکه اگر قرار است مالیات به عنوان ضرورت یا حکم حاکمیتی بر مردم وضع شود، باید خود را با نظام خمس و زکات تطبیق دهد. بر این اساس در طراحی الگو فرض بر این است که شخص ابتدا خمس و زکات را پرداخت کند و بعد نظام مالیاتی خود را با این ساختار تطبیق دهد. هرچند ممکن است مالیات از حیث ترتب آثار مادی اقتصادی از جانب پرداخت‌کنندگان یا منابع مصرف آن مشابه و منطبق بر زکات باشد، اما آنچه جوامع امروز از مالیات تلقی می‌کنند، منعکس‌کننده این معنا است که مالیات به دلیل مشروعیت نداشتن و احساس تحمیلی بودن آن از جانب افراد، نه تنها نمی‌تواند آن آثار معنوی و نفسانی مثبت حاصل از زکات (از قبیل شکران نعمت، قصد قربه الی‌الله و مبارزه با شح و بخل نفسانی و حب مال) را داشته باشد، بلکه بالعکس از آنجا که مردم آن را نوعی فشار و تحمیل می‌دانند از آن فرار می‌کنند، در حالی که زکات علاوه بر اینکه می‌تواند آثار اقتصادی مالیات را داشته باشد، یک دستگاه انسان‌سازی و معنویت‌پروری نیز است. حال اگر درآمدهای حاصل از زکات و خمس به قدری باشد که مخارج دولت را تأمین کند، طبیعتاً نیازی به وضع مالیات‌های جدید نیست، اما اگر درآمدهای حاصل از خمس و زکات به‌قدری نباشد که برای رفع نیازهای دولت کفایت کند، طبیعتاً نیاز به وضع وسیع‌تری از این مالیات‌ها است و این شرایط اقتضا می‌کند که منابع تأمین درآمد جدیدی تحت عنوان مالیات وضع شود. این‌گونه مالیات‌های واجب جدید را به منظور سایر مخارج واجب دولت، توجیه می‌کنند (کاشیان، ۱۳۹۴).

۸. الگو پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی و متعارف

در کشور ما از زمان پیروزی انقلاب اسلامی دغدغه احیای مالیات‌های اسلامی به صورت نظام‌مند وجود ولی بدون قانون مدونی وجود داشت. تا اینکه در سال ۱۳۹۰ قانون زکات مشتمل بر هفت ماده و سه تبصره در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. متولی زکات در این قانون دبیرخانه‌ای در

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

کمیته امداد امام خمینی (ره) است که با اذن ولی‌فقیه و حضور نماینده ایشان در شورای مرکزی و حضور ائمه جمعه مرکز استان و بخش‌ها در شوراهای استانی، شهرستان و بخش است. یکی از نقایص این الگو لحاظ نکردن زکات به عنوان مالیات قطعی و پرداخت شده است که موجب می‌شود مؤدیان زکات با مشکل پرداخت دوگانه مواجه شوند.

بر طبق ماده ۲ این قانون، وظایف شورای مرکزی زکات عبارت است از:

- تعیین خط‌مشی‌های اساسی در خصوص جمع‌آوری و مصرف زکات و تنظیم ضوابط و معیارهای مربوطه؛
- سیاست‌گذاری امور تبلیغی و آموزشی در جهت آشنایی و هدایت مردم به ادای زکات؛
- برنامه‌ریزی برای ایجاد هماهنگی، نظارت و مشارکت مؤثر استانداران، فرمانداران، بخشداران، شوراهای اسلامی شهر و روستا و ائمه جمعه و جماعات سراسر کشور در اجرای این قانون.

لذا با استناد به این قانون، می‌توان الگوی زیر را برای اجرای هرچه بهتر مالیات‌های اسلامی در کشور، ارائه کرد:

از آنجایی که مطابق ماده ۳ قانون زکات ایران، هرگونه اقدام در مورد زکات از قبیل جمع‌آوری و اولویت‌های مصرف آن مطابق نظر ولی‌فقیه و با اذن ایشان انجام می‌گیرد، لذا بایستی توسط ایشان در شورای مرکزی تمهیداتی اندیشیده شود تا اختلاف فتاوی در جمع‌آوری زکات در بین فقهای گوناگون و مذاهب فقهی گوناگون در مناطق مختلف به نحوی لحاظ شود که حداکثر استفاده از انگیزه‌های دینی در این قانون به دست آید. چرا که با توجه به ساختار قانون، اساساً این طرح ماهیت تشویقی داشته و اجباری نیست و از سوی دیگر شوراهای منطقه‌ای نیز می‌توانند به خوبی تفاوت‌های فقهی را دریافته و بر اساس آن اقدام به دریافت و توزیع زکات کنند که این اقدام بر انعطاف طرح می‌افزاید.

همچنین با توجه به الزام قانون در خصوص ایجاد بانک اطلاعات مؤدیان زکات توسط کمیته امداد و همچنین با توجه به اینکه عدم وجود این اطلاعات می‌تواند باعث کاهش دریافت زکات شود، ضروری است تا در اسرع وقت نسبت به ایجاد این بانک اطلاعاتی اقدام شده و در آن علاوه بر حسابداری زکوات به بررسی تفاوت‌های فقهی در پرداخت زکات نیز توجه شود تا علاوه بر نتایج عملی حاصل از آن، داده‌های لازم برای تحلیل‌های عملی نیز فراهم آید. این بانک اطلاعاتی

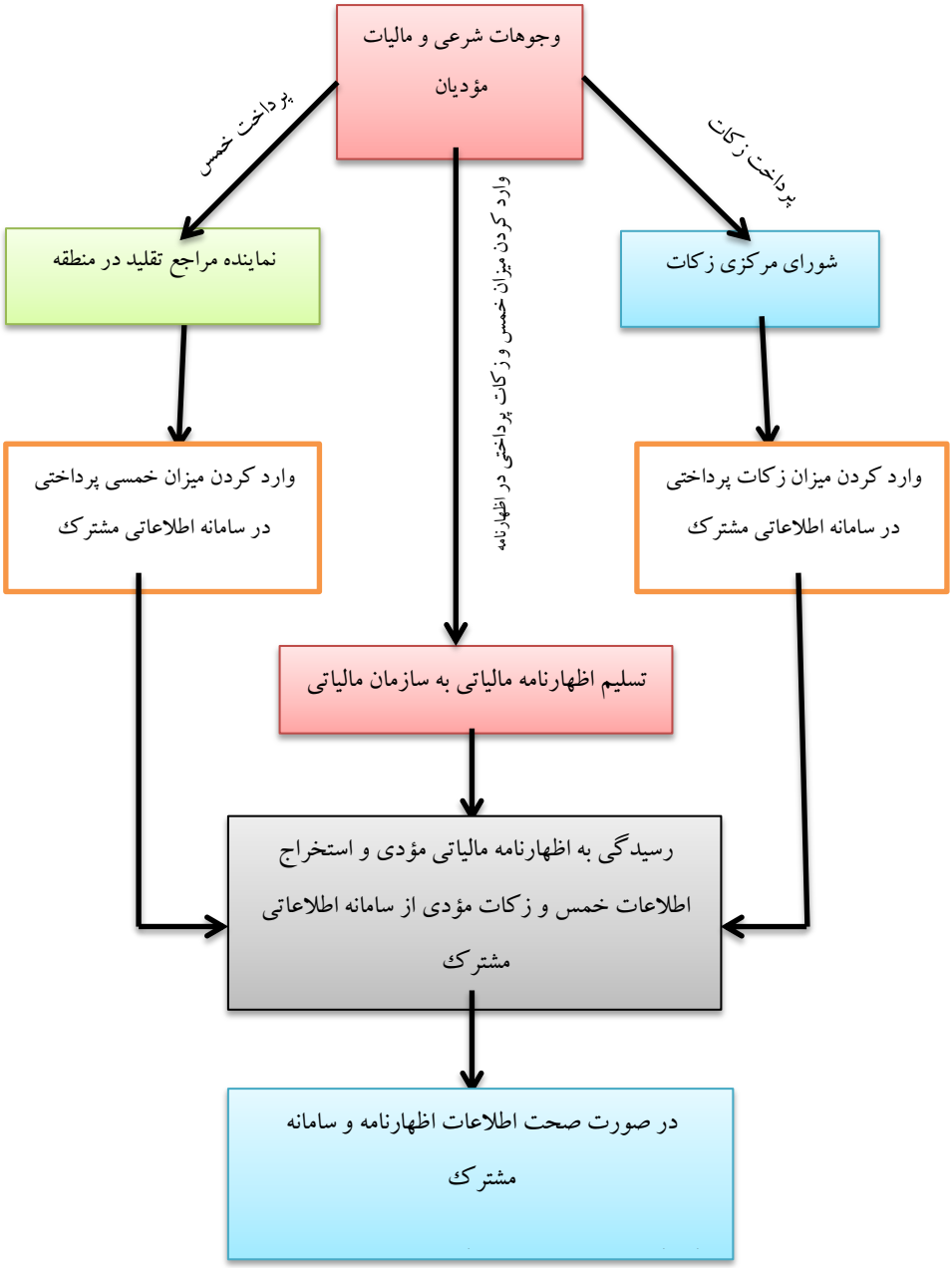
[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای اصلاح قانون حاضر به حساب آمده و با تکمیل آن، امکان محاسبه زکات به عنوان مالیات پرداختی مؤدیان مالیاتی نیز فراهم شود که از این طریق انگیزه‌های مادی نیز در کنار انگیزه‌های معنوی منجر به تشویق بیشتر برای پرداخت زکات و کلاً مالیات‌های اسلامی شود که سبب رفتارسازی مالیاتی مناسب خواهد شد.

کشورهای اسلامی که پرداخت زکات در آن‌ها به صورت داوطلبانه و به مرکز مردمی- دولتی واگذار می‌شود و در عوض، دولت از انگیزه‌های مالیاتی مثل بخشودگی مالیاتی استفاده می‌کند و یا این وجوه را از درآمد مشمول مالیات کسر می‌کند، می‌تواند الگوی مناسبی برای کشور ما در شرایط فعلی باشد که بتواند الگویی مشابه آن را به اجرا درآورد.

بر اساس این الگو، ولی‌فقیه و هریک از مراجع معظم تقلید و شورای مرکزی زکات در هریک از مناطق (که ممکن است استان، شهرستان یا بخش باشد) نماینده‌ای تعیین می‌کنند که این نماینده‌ها متولی جمع‌آوری وجوهات آن منطقه می‌شوند. این نمایندگان با در اختیار داشتن سامانه اطلاعاتی مشترک با سازمان مالیاتی، اطلاعات پرداخت‌کنندگان وجوهات شرعی را به سازمان مالیاتی منتقل می‌کنند. این افراد به عنوان مؤدی مالیاتی شناخته‌شده و باید در پایان سال مالی خود و زمانی که سازمان مالیاتی اعلام می‌کند (که معمولاً خردادماه هرسال است) اظهارنامه مالیاتی تسلیم کنند و در این اظهارنامه علاوه بر اطلاعات مربوط به درآمد و دارایی‌های مؤدی، اطلاعات مربوط به میزان خمس و زکات پرداختی مؤدی نیز اضافه شود و مؤدیانی که در سال مالی خود خمس و زکات پرداخت کرده‌اند، این قسمت را تکمیل کنند. مأموران سازمان مالیاتی در موقع رسیدگی پرونده این مؤدیان به سامانه اطلاعاتی مشترک با متولیان جمع‌آوری خمس و زکات و سازمان مالیات مراجعه می‌کنند و در صورت صحت اطلاعات اظهارنامه مؤدی و اطلاعات استخراج شده از این سامانه، به میزان پرداخت خمس و زکات از حساب مالیات بر درآمد آن‌ها کسر خواهد شد. اگر چنانچه وجه خمس و زکات پرداختی مؤدی از مالیات بر درآمد او بیشتر باشد، مؤدی فاقد بدهی مالیاتی است و مفاصا حساب مربوطه را دریافت کرده ولی اگر وجه خمس پرداختی مؤدی از مالیات بر درآمد او کمتر باشد، باید مابه‌التفاوت لازم را به اداره امور مالیاتی بپردازد و بعد مفاصا حساب دریافت کند. تصویر کلی از الگوی پیشنهادی در ذیل ارائه شده است:

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]



شکل ۱. الگوی پیشنهادی پذیرش خمس و زکات به عنوان مالیات

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

۹. نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی بر این بود تا با توجه به مبحث مالیات‌ها در اسلام، الگوی مناسبی برای اجرای مالیات‌های اسلامی ارائه شود. باید توجه داشت به هیچ عنوان اجرای سیستم مالیاتی بدون همکاری خود مردم امکان‌پذیر نخواهد بود. انتخاب و اجرای سیستم مالیاتی مناسب می‌تواند در رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه مؤثر باشد.

میان خمس و زکات با مالیات تفاوت‌های اساسی وجود دارد. اصولاً مالیات در نظام‌های دینی یا غیردینی برای هزینه‌های جاری دولت‌ها اخذ می‌شود که در هر کشور تابع مقررات خاص خود است.

زکات برای فقرزدایی در جامعه وضع شده است و خمس در قسمی از آن برای فقرزدایی از عده خاصی که بر طبق قوانین شرع، زکات دریافت نمی‌کنند است و در قسم دیگرش، برای رفع مخارج شخص امام و رهبر که مخارج خاص خودش را دارد است. مسلمانان به خصوص شیعیان که در طول تاریخ به جز در برخی از اعصار محدود، حکومتی نداشته‌اند، خمس و زکات مال خودشان را پرداخت می‌کرده‌اند. در زمان امامان معصوم (ع) با توجه به عدم وجود حکومت شیعی، خمس و زکات شیعیان پرداخت می‌شد و امروزه نیز حکومت اسلامی به عنوان دریافت‌کننده خمس و زکات مؤمنین شناخته نمی‌شود؛ بلکه حاصل انجام این‌گونه از تکالیف مادی، به دست مراجع عظام تقلید می‌رسد. ولی‌فقیه و حاکم اسلامی از باب مصلحت می‌تواند پرداخت مالیات یا بخشی از آن را به عنوان خمس کافی بداند؛ چنانکه در وضعیت کنونی افراد بتوانند مالیاتی که به دولت می‌پردازند را جزء هزینه سال خود محاسبه کرده و پس از خارج کردن تمام هزینه‌های متعارف، از جمله مالیات، خمس اموال خود را تعیین و پرداخت کنند.

لذا پیشنهاد مقاله این است که دولت با برنامه‌ریزی سعی کند قوانین سازمان مالیاتی به‌گونه‌ای مناسب تنظیم شود که نه تنها بار واجب مالی (شرعی و قانونی) بر دوش مردم متدین سنگینی نکند، بلکه زمینه ترغیب مردم نیز فراهم آید. از طرفی، اغلب مردم خواستار نابرابری و فقر کمتر در جامعه هستند، ولی به طور فردی انگیزه‌ای ندارند که به نحوی عمل کنند تا سهم وسیعی از منافع ایجادشده در جامعه به دیگران برسد. بنابراین مداخله دولت برای کمک به بهبود نتایج توزیعی و زمینه ترغیب مردم و تلاش برای رفع دغدغه پرداخت مالیات مضاعف توسط متدینین از اهمیت

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

خاصی برخوردار است. لذا رابطه این دو پرداختی از نظر اجرایی در هر زمان می‌تواند طوری مدیریت شود که نتیجه مطلوب از فرایند مالیات‌ستانی حاصل شود. از این رو، لازم است که سیستم مالیاتی در کنار الزام به جایگزینی «وجوه خمس و زکات به عنوان مالیات»، ضرورت بازنگری در سیاست‌های حمایتی از بخش‌های داوطلبانه را نیز پیش از پیش مد نظر قرار دهد. بنابراین همان‌طور که در بخش‌های قبلی این مقاله اشاره شد، ضروری است که قوانین مالیات بر درآمد کشور با نگاه به خمس (خمس ارباح مکاسب) بازنگری شده و برای حفظ استقلال حوزه‌های علمیه و مرجعیت شیعه، نگاه به خمس و زکات نگاهی تشویقی و احتساب آن به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد باشد تا اهدافی مثل عبادی بودن زکات و خمس، دغدغه پرداخت مضاعف مالیات از جانب متدینین، مقدس بودن نهاد جمع‌آوری‌کننده خمس (مرجعیت)، خوداظهاری بودن زکات و خمس و عدم احتساب پرداخت خمس و زکات به عنوان مالیات‌های متعارف از جانب نهادهای دولتی تأمین شود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

منابع

- **امینی، اعظم** (۱۳۸۴). *مالیات در اسلام*، قم. مرکز پژوهش‌های اسلامی. صداوسیما.
- **پورفرج، علیرضا** (۱۳۸۹). *جایگاه مالیات‌های اسلامی و متعارف و ارتباط متقابل آن‌ها*. مجموعه مقالات دومین همایش مالیات‌های اسلامی. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- **جعفری صمیمی، احمد** (۱۳۸۹). *اقتصاد بخش عمومی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب اسلامی دانشگاه.
- **حکیمی، محمد** (۱۳۷۰). *معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی*. مشهد. بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- **خزائی، زینب و مرجان یزدان‌پور** (۱۳۹۴). «مالیات‌های اسلامی و جایگاه آن در تأمین منابع مالی». *مجله اقتصادی*. دوره ۳. شماره ۱. صص ۱۱۰-۸۹.
- **شهرکی، جواد و مصطفی شمس‌الدینی** (۱۳۸۹). «مدیریت استراتژیک درآمدها و پرداخت‌های دولت در جهت بهبود وضعیت کسری بودجه». تهران. پنجمین همایش بین‌المللی مدیریت استراتژیک و عملکرد.
- **شهرکی، جواد و مصطفی شمس‌الدینی** (۱۳۹۰). «پیاده‌سازی یک الگوی مالیاتی مناسب از منظر قوانین مالیاتی اسلام». *دوفصلنامه علمی- تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی*. دوره ۳. شماره ۲. صص ۱۲۴-۹۷.
- **صدر، سید کاظم و محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی** (۱۳۸۱). «آیا نظام مالیاتی ایران اسلامی است؟». *فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی*. دوره ۲. شماره ۷. صص ۱۰۰-۵۱.
- **عسکری، محمدمهدی** (۱۳۸۴). *تحلیل نظری زکات*. دانشگاه امام صادق (ع) تهران. ایران
- **عسکری، محمدمهدی** (۱۳۸۴). «مقایسه تحلیلی آثار اقتصادی زکات و مالیه تورمی». پایان‌نامه دکتری دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام). تهران.
- **عسکری، علی** (۱۳۸۸). سخنرانی، مجموعه مقالات دومین همایش مالیات‌های اسلامی: جایگاه مالیات‌های اسلامی و متعارف و ارتباط متقابل آن‌ها. دانشگاه مفید قم.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

- **علم‌الهدی، سید سجاد** (۱۳۹۵). «تحلیلی از شاخص‌های نظام مالیات اسلامی به عنوان الگوی هدف برای نظام مالیاتی ایران». *اقتصاد تطبیقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*. دوره ۳. شماره ۲. صص ۱۰۹-۹۵.
- **کاشیان، عبدالمحمد** (۱۳۹۴). «طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران». رساله دکتری رشته علوم اقتصادی گرایش اقتصاد اسلامی. دانشگاه امام صادق.
- **کیاءالحسینی، سید ضیاءالدین** (۱۳۹۰). «ملاحظات پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی» *پژوهشنامه مالیات*. دوره ۱۱. شماره ۱. صص ۱۷۳-۱۴۱.
- **گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی** (۱۳۷۹). «امکان جایگزینی مالیات بر درآمد با خمس و تبیین آثار آن بر برخی متغیرهای اقتصاد کلان». پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران. دانشکده اقتصاد.
- **نظری، حسن آقا و محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی** (۱۳۸۲). «نگرشی علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی». قم پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- **Leonid, A. Levin**. (2001). *The equity tax and shelter*, Boston University, Institute des hautes etudes scientifiques.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]